

بهتر از این هم می شود



○ سیدعلی محمد رفیعی

فرهنگنامه قرآنی

مصطفی اسرار

عنوان کتاب: فرهنگنامه قرآنی
نویسنده: مصطفی اسرار
ناشر: نشر قو
نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۸
شمارگان: ۵۱۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۱۹۶ صفحه
بها: ۵۷۰ تومان

به نوشته ناشر در آغاز کتاب، فرهنگنامه قرآنی «با هدف آشنایی خوانندگان، به ویژه نوجوانان و جوانان با اطلاعات، موضوعات و مطالب قرآن تدوین شده است و آشنایی با نامها و صفات قرآن، مناطق جغرافیایی، زندگی پیامبران، مکانها، شخصیت‌های قرآن، علوم قرآن [و] کتاب‌های آسمانی، از جمله موضوعات و مفاهیمی است که در این فرهنگنامه به آن پرداخته شده است. این موضوعات و مفاهیم، به ترتیب الفبایی تنظیم شده و به بیان موضوعات گوناگون اعم از علوم، تاریخ و قصه‌های قرآن پرداخته است.» فرهنگنامه قرآنی، نزدیک به ۴۰۰ ماده را دربرمی‌گیرد که کم‌ترین آنها دو سطر و بیشترین آنها حدود پنج صفحه توضیح دارد. در کنار برخی صفحات این کتاب، طرح‌های تزئینی اسلامی و نوشته‌های هنری قرآنی نیز به چشم می‌خورد و بر زیبایی ظاهر کتاب می‌افزاید.

نگاه اول: مختصر، مفید، مورد نیاز

در این کتاب، می‌توان به توضیحاتی مختصر و مفید درباره انسان‌ها و موجودات ذی‌شعور و اشیا و مکان‌ها و سرزمین‌هایی که نامشان در قرآن آمده است، دست یافت. هم چنین، وجه تسمیه سوره‌های قرآن، دسته‌بندی سوره‌ها و اطلاعاتی درباره محتوای هر سوره، از دیگر مباحث کتاب است. آیات و دسته‌بندی‌های گوناگون آنها، نام‌ها و صفات قرآن، نام‌ها و صفات خداوند در قرآن، ادیان و مذاهب و کتاب‌های آسمانی در قرآن، وقایع و رویدادهای تاریخی برخی اصطلاحات و واژه‌های کلیدی قرآن ترکیب‌ها و واژه‌های مرتبط با علوم قرآنی، دسته‌بندی موضوعات قرآن، شمار آیات، کلمات و حروف قرآن، روش‌های تفسیری، واژه‌های غیر عربی قرآن، اعلام مبهم و شناخت محتوای مطالب قرآن و از این قبیل، جزو دانستنی‌هایی است که سخت به کار هر جوینده و پژوهنده قرآن می‌آید و در این کتاب می‌تواند به آنها دست یابد.

فرهنگنامه قرآنی، کتابی است مناسب برای هر کس که می‌خواهد چیزی درباره قرآن بخواند یا بنویسد. کتابی که خواننده را در کسب اطلاعات اولیه قرآنی، از مراجعه به کتاب‌هایی که اغلب ناآشنا، حجیم، غیرفارسی یا دیرپاباند، بی‌نیاز می‌کند.

نگاه دوم: نیازمند ویرایش و افزایش

فرهنگنامه قرآنی، با آن که نام یک ویراستار و یک مقابله‌کننده آیات را در شناسنامه خویش دارد، فاقد برخی نکات و حساسیت‌هایی است که از آن انتظار می‌رود. پیش از هرگونه توضیح و ارائه مثال، ذکر نکته‌ای کلی را در اینجا لازم می‌دانم. چند سالی است در شناسنامه بسیاری از کتاب‌ها نام شخص یا اشخاصی با عنوان «ویراستار» می‌آید که البته، رسم خوبی است. اما کسانی که آشنایی اندکی با واژه، معانی و مصداق‌های «ویرایش» داشته باشند، می‌دانند که «ویرایش» سطوح مختلفی دارد که از ویرایش فنی و محتوایی تا ویرایش صوری، رو و ویرایش و نسخه‌پردازی قبل از حروفچینی و نمونه‌خوانی و واری اصلاحات و بررسی صفحات بسته شده را پس از حروفچینی، در برمی‌گیرد.

نام «ویراستار»، بدون مضاف الیه، علی‌القاعده، به کسی اشاره دارد که ویرایش فنی و محتوایی بر روی اثر انجام داده و نوشته مؤلف را از نظر اشکال‌های علمی، فنی و محتوایی بررسی کرده، در صورت لزوم، پیشنهادهایی برای افزایش، کاهش، شیوه بهتر تنظیم و تدوین و تألیف و اصلاح محتوایی مطلب به نویسنده ارائه کرده و به عنوان مشاوره امین، با نویسنده در نگارش اثر همکاری داشته است.

این گونه ویرایش، بها و تضمینی بیشتر به اثر می‌بخشد و حتی اغلب نام ویراستار، در کنار یا حتی بالای نام نویسنده، روی جلد اثر می‌آید.

اما اگر کسی تنها به نقطه‌گذاری، وصل و پیوست کلمات، بررسی ارجاعات، شیوه نگارش، نکات ادبی ساده و از این قبیل نکات غیرفنی پرداخته باشد، عنوان «ویراستار صوری» «رو ویراستار» یا «نسخه پرداز» دارد و سمت او در پدیدآوردگی کتاب، به یکی از همین صورتهای باید بیاید.

این که نام شخصی با عنوان «ویراستار» بیاید و او تنها موارد اخیر را سامان داده باشد از تسامحاتی است که از بی‌توجهی به حوزه‌های مختلف ویرایش و عدم رعایت حدود و ثغور شرح وظایف ویراستاران برمی‌خیزد و متأسفانه، اخیراً شیوع یافته است.

پاری، فرهنگ‌نامه قرآنی، از لحاظ ویرایش محتوایی و صوری گرفته تا نمونه‌خوانی و صفحه‌آرایی، خالی از نقص و ضعف و خطا یا دست کم، ترک اولی نیست.

به نمونه‌هایی در هریک از این سطوح می‌پردازیم:

۱- آغاز کتاب، فاقد مقدمه مؤلف است و البته، جای گفتن ندارد که مقدمه ناشر، نمی‌تواند کتاب را از مقدمه مؤلف بی‌نیاز کند. از آن رو که به هر حال، صاحب کتاب، مؤلف است و ناشر، کار سرمایه‌گذاری چاپ و پخش آن را به عهده دارد.

مؤلف می‌توانست در این مقدمه، روش کار، مبنای گزینش و شیوه ارائه توضیحات را مطرح کند و نکات دیگری را متذکر شود که جای گفتن داشت.

۲) در انتهای کتاب، از فهرست منابع و مآخذ اثری نمی‌بینیم.

این نیز جای گفتن ندارد که ارجاعات پای صفحه‌ها که در آن، فقط نام کتاب و شماره صفحه آمده باشد، جای فهرست منابع و مآخذ را نمی‌گیرد که در آن، اطلاعاتی درباره نام مؤلف، نام ناشر، سال انتشار و دیگر آگاهی‌های کتاب شناختی ارائه شده است.

۳) جای برخی ماده‌ها را در این کتاب خالی می‌بینیم؛ از جمله: هارون نه برای برادر حضرت موسی(ع)، بلکه نام کسی که طعنه‌زنان به حضرت مریم(س)، او را «اُخت هارون» (خواهر هارون) نامیدند (نگاه کنید به سوره مریم (۱۹)، آیه ۲۸). یا: واژه حوا (همسر حضرت آدم) به ویژه این که واژه حضر و برخی واژه‌های دیگر که در قرآن به صراحت نیامده‌اند، در این فرهنگ‌نامه آمده است.

۴) کتاب، فاقد طرح و اسلوبی است که فرهنگ‌ها و فرهنگ‌نامه باید از آن پیروی کنند. اهل فن می‌دانند که رسم فرهنگ‌نامه‌نویسی، این است که اطلاعات لازم، به طور یک نواخت و براساس نظامی واحد، برای همه ماده‌ها ذیل هر ماده بیاید.

۵) در این کتاب، ترتیب ارائه مواد، پس از حرف اول آنها به هم می‌خورد و مثلاً هارون قبل از هاروت و اسلام پیش از اسراء و استعاده قرار دارد. این آشفتگی‌ها، تقریباً در همه مواد کتاب به چشم می‌آید و یافتن واژه‌ها و ماده‌ها را دشوار می‌کند.

۶) نام شخص در شناسنامه و مقدمه ناشر بر کتاب آمده با این توضیح که آیات را «با دقت و حوصله تمام مقابله و تصحیح» کرده است. با این حال، در بسیاری موارد، برمی‌خوریم به آیاتی که یا متن آن‌ها با قرآن تفاوت دارد یا اعراب‌گذاری آنها. به عنوان نمونه به آیه ۱۰۰ سوره توبه (۹) اشاره می‌کنیم که در صفحه ۲۵، زیر عنوان انصار آمده است که چه به لحاظ نقل واژه‌ها و چه از نظر اعراب، تفاوت‌هایی چند با اصل آیه دارد.

۷) اصولاً اعراب‌گذاری آیات، عبارات عربی و واژه‌ها و ترکیبات دشوار در این کتاب، از نظامی واحد پیروی نمی‌کند. در جایی، اعراب‌گذاری را به کمال می‌بینیم و در جایی، ناقص و در جای دیگر، هیچ!

همین مشکل در ارائه اطلاعات نیز وجود دارد. مثلاً ذیل ماده بساتین قرآن، نام سوره‌ها نیامده و متن، تنها حاوی توضیح کلی است، اما در جاهای دیگر، مانند **عرائس قرآن**، نام آن سوره‌ها را می‌خوانیم.

۸) اعراب‌گذاری‌ها خالی از اغلاط گاه سرنوشت ساز نیستند. برخی از این‌ها باعث می‌شوند که خواننده، عبارت را غلط بخواند یا نتواند درست بخواند. برخی از این اغلاط نیز در معنای عبارت اختلال ایجاد می‌کنند.

به عنوان نمونه اول، در صفحه ۱۲ (ذیل ماده اسلام) کلمه «الاسلام» در آیه ۱۷ سوره آل عمران (۳)، به صورت «الاسلام»، کلمه «الیوم» در آیه ۵ سوره مائده (۵)، به صورت «الیوم» و کلمه «الکذب» در آیه ۷ سوره صف (۶۱) به صورت «الکذب» درآمده است.

این موارد را که در این کتاب کم هم نیستند، شاید بتوان در زمره اغلاط چاپی بسیار و ضعف‌های شدید نمونه‌خوانی به حساب آورد، اما برخی نمونه‌های مربوط به غلط در معنا را باید ناشی از ضعف کار مؤلف یا ویراستار محتوایی کتاب (اگر داشته باشد) دانست. به عنوان مثال، در صفحه ۱۲۰، ذیل ماده کتاب، آمده است:

«کتاب» مصدر است. آی ما یکتب فیه، یعنی آن چه که در آن نوشته می‌شود. باید گفت: عبارت «آی ما یکتب فیه» به این معنی است: «یعنی آن چه که در آن می‌نویسد.» در صورتی که با اعراب‌گذاری درست، عبارت حاضر باید به این صورت ارائه می‌شد: «... یکتب...» (به صیغه مجهول)

۹) نثر کتاب، مناسب مخاطب نوجوان یا جوان نیست. واژه‌ها، عبارات، جملات و تعبیراتی مانند: «شب دیجور»، «مغاره‌های کوه» یا «مذکور افتاده است» تنها نمونه‌هایی از این عدم تناسب‌اند.

۱۰) برخی موارد در این کتاب به چشم می‌خورد که انسان را به شک می‌اندازد از این که کتاب حاضر، یک‌بار پیش از حروف‌چینی، به وسیله ویراستار صوری یا یک بار پس از صفحه‌آرایی، به وسیله مؤلف خوانده شده باشد. در نمونه‌ای که ارائه می‌شود، حروف سیاه، تأکیدهای نگارنده بر روی متن کتاب است برای توجه به اغلاط فنی و ادبی آن:

«بعثت رسول خدا (ص) روز دوشنبه هفدهم رمضان یا بیست و هفتم رجب... به هنگامی که چهل سال و شش ماه و هشت (روز قمری) و یا سی و نه سال و سه ماه و هشت (روز شمسی) از عمر شریفش می‌گذشت، به مقام نبوت رسیدند.»

۱۱) نقطه‌گذاری‌های کتاب، همانند اعراب‌گذاری‌ها، نیازمند بازنگری جدی است؛ به ویژه این که گاه، مایه ایجاد دشواری در خواندن و گاه موجب بد فهمی متن‌اند.

۱۲) اغلاط نمونه‌خوانی کتاب، بیش از حد انتظار و در مواردی مغلصحت یا حاوی افتادگی‌هایی فاحش‌اند. مثلاً در صفحه قبل از ۱، نام مقابله‌کننده آیات، غلط است. در صفحه ۱۷، ذیل ماده اصحاب القریه، افتادگی‌ای فاحش، سخن رسولان و سخن مخالفان آنها را با یکدیگر آمیخته است (سطر ۹ این عنوان) و در سطر آخر صفحه ۱۴، آغاز جمله افتادگی دارد.

۱۳) برخی اغلاط در اسم‌های خاص، به مرجعیت کتاب، لطمه‌های جدی وارد آورده است. برای نمونه، اخنوخ یا خنوخ تورات را به صورت «خنوخ» تورات می‌خوانیم که دارای دو غلط است: یکی در ضبط کلمه و دیگر این‌که در تورات، بدون الف آمده است (ص ۸) و یا لفظ **Evangelion** که به غلط، به **Euangelion** تبدیل شده است (ص ۲۵).

نمونه دیگر، **حَضْرَمُوت** است که آن را به غلط در این فرهنگ‌نامه، به صورت «حَضْرَموت» می‌خوانیم (ص ۵).

۱۴) به جز کاستی‌هایی که گفته شد، این کتاب، از برخی دقت‌های حتی نه چندان ظریف، در معنی لغات قرآن نیز بهره ندارد. به عنوان مثال، جای واژه بکّه را از یک سو، در میان عنوان‌های آن خالی می‌بینیم و در جای دیگر، مشاهده می‌کنیم که در ترجمه آیه‌ای که همین واژه را در خود دارد، این واژه به «مکه» ترجمه شده است. (مکه، شهری است که خانه کعبه در آن قرار دارد و بکه قطعه زمینی است که خانه کعبه بر روی آن ساخته شده است).

از آن فراتر، گاه اغلاط کتاب، لطمه‌هایی جدی به ارزش و اعتبار آن وارد می‌سازند. برای نمونه، ترجمه واژه تکویر، چنین آمده است: «در هم پیچیده». در صورتی که می‌دانیم این واژه، مصدر و به معنی در هم پیچیدن، تغییر رنگ دادن، پوشانیدن و از این قبیل است.

نگاه سوم: بستری برای کاری ارزشمند

با توجه به ارزش‌های بالقوه و بالفعل کتاب فرهنگ‌نامه قرآنی برای نوجوانان، جوانان و پژوهشگران، کتاب حاضر، این امکان را دارد که با سرمایه‌گذاری مادی و انسانی لازم، با ملاحظه کاستی‌ها و ضعف‌های موجود و کوشش در رفع آنها، با اندیشه سازواری کتاب با نیازها و پرسش‌های نسل معاصر و با سازماندهی‌ها، طرح‌ریزی‌ها و کار گروهی هدایت شده، به صورت کتابی مرجع، مفید، ارزشمند و در عین حال کم حجم و جذاب درآید.

در این زمینه، افزون بر همه آن چه گفته شد، این نکات را نیز می‌توان در نظر گرفت:

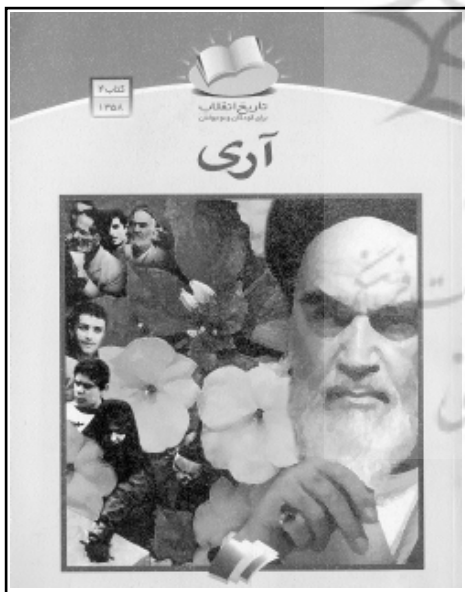
۱) دقت در ارائه توضیحات و به ویژه، مراجعه به روایات شیعه برای دریافت معانی و اطلاعات دقیق‌تری از واژه‌ها، مفاهیم، زندگی پیامبران و آگاهی‌های دیگر. برای نمونه، از این بررسی‌هاست که می‌توان دریافت «اسماعیل صادق الوعد»، غیر از اسماعیل،



بررسی مجموعه ده جلدی تاریخ انقلاب

حرکت به سمت شفافیت

○ امیر بختیاریان



- عنوان کتاب: تاریخ انقلاب برای کودکان و نوجوانان (۱۰ جلد)
- زیر نظر: شورای نویسندگان و شورای تولید
- ناشر: نشر تاریخ و فرهنگ
- نوبت چاپ: ۱۳۷۸ - ۱۳۷۹

پسرابراهیم است. یا این که انزال و تنزیل چه تفاوت هایی با یکدیگر دارند. (۲) توجه بیشتر به نکات زبان‌شناسی، ریشه واژه‌های مشترک بین ادیان و تنوع و تشابه قرائت‌های آنها در زبان‌های مختلف.

(۳) توجه به اعلام جغرافیایی، از نظر تطبیق نام‌های کهن آنها با نام‌های امروزی و ارائه اطلاعاتی درباره جایگاه آنها در جغرافیای امروز جهان و در صورت امکان، ارائه تصاویری از آنها.

(۴) توجه به پرسش‌هایی که ممکن است در ذهن انسان پرسشگر، به ویژه نسل جوان پدید آید و ارائه پاسخ مناسب به آن. مثلاً پاسخ این پرسش که: «بیت المعمور، خانه‌ای است در آسمان، برابر کعبه که محل زیارت ملائکه است» (ص ۳۷ فرهنگ‌نامه قرآنی)، پس با گردش زمین و گردش کعبه، این خانه نیز در آسمان می‌گردد؟

(۵) نگاه به پژوهش‌های جدید و یافته‌های نو که می‌توانند با درک بهتر آیات و واژه‌های قرآن مرتبط باشند. مثلاً توجه به دستاوردهای باستان‌شناسی و مسلمات علم جدید، گاه می‌تواند نگاه‌ها و پرسش‌هایی نو را درباره مفاهیم کهن در پی داشته باشد. به عنوان نمونه، این نظر برخی پژوهندگان معاصر خارجی، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد که آیا ارم همان هرم است و سازندگان اهرام مصر، همان انسان‌های چندین متری هستند که قبر آنها در کاوش‌های باستان‌شناسی در همان نزدیکی یافت شده است؟

(۶) تحلیل و بررسی تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی برخی وقایع، پیشامدها و رویدادها به منظور قرار دادن نسل جوان در فضای وقایع و موقعیت‌ها.

○ چند «باید»

اگر بخواهیم کاری عقیدتی را برای جوان امروز سامان دهیم، باید همواره خود را به جای جوانی فرض کنیم که از یک سو، تشنه اطلاعات زنده و ملموس، با زبانی ساده و قابل فهم است و از سوی دیگر، ذهنی دارد آکنده از اطلاعات امروزی و روحی دارد پاک که ناهنجاری‌ها را حس می‌کند و صاحب اندیشه‌ای است منطقی، خلاق، پویا و تصویرساز که زیر بار پذیرش چیزی که برای او جا نیفتد، نمی‌رود؛ همان چیزی که از آن به شک مقدس تعبیر می‌شود و در وجود هر مومن باید باشد تا به بصیرت بیشتر و در نتیجه، ایمان افزون‌تر وی بینجامد.

و اما خود ما نیز به عنوان پدید آورنده اثری عقیدتی، به ویژه برای جوان و نوجوان، باید به این نکته توجه کنیم که ممکن است همه آن چه در کتاب‌ها خوانده‌ایم، درست نباشد یا به عکس، برخی از آن چه نادرستش می‌پنداشته‌ایم، درست باشد و یا برخی اطلاعاتی که پیشینیان به ما منتقل ساخته‌اند، ناقص یا خام باشند و پژوهش‌هایی تازه بطلند، نگاه‌ها و نگرش‌هایی نو بخواهند، تردیدهایی تازه برانگیزند یا یقین‌هایی تازه بیفزایند.

در این راه، بی‌گمان، باید از برخورد با هر شبهه‌ای استقبال کرد و خود را در جریان مطالعه اندیشه‌ها و عقیده‌هایی قرار داد که ممکن است از بنیان گرفته تا نقش و نگار، بنای باور دینی را به چالش بطلند و حتی گاه، حقی را بر ما آشکار سازند؛ گرچه از زبان اهل باطل باشد.

این راز و رمز کار آنهاست که در علوم دینی، به روز مانده‌اند، به روز نوشته‌اند و بر نسل جدید زمان خویش، تاثیر نهاده‌اند و حرکت‌های دینی آفریده‌اند.